

از جناب آقای معیر الممالک

ابنیه عصر فاجله

هیئت تحریریه مجله ایران آباد از جناب آقای معیر الممالک بمناسبت تهیه این مقالات سپاسگزاری میکند و امیدوار است روش ایشان که با وجود کمهولت سن به انتشار مقالات و خاطرات ارجدار و ذیقیمتی از اوضاع اجتماعی صدساله اخیر ایران همت میکنند سر مشق رجال و شخصیت های پورو جوانی باشد که با « جنت مکانی » از اینگونه افادات و افاضات پر هیز مینمایند و « وقت کم » و « گرفتاری زیاد » را سرپوش تنبلی و بیمایگی خود قرار داده اند.

چند سال پیش بنا خواهم یکی از نگاههای مطبوعاتی چاپ کتاب « یادداشت های از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه » را بدون قید و شرطی بینگامز بور و اگذار کردم. معاسفانه چنانکه انتظار میرفت چاپ آن خوب و بدون اشتباه از آب بیرون نیامد ولی با اینحال کتاب مورد استقبال قرار گرفت و در اندک مدت نایاب شده از آن پس دوستان و آشنایان و گروهی ناشناس که آنان نیز از نظر رابطه معنوی کم از آشنایان نیستند بوسیله نامه و تلفن تجدید چاپ کتاب را خواستار شدند. من بایستی و همه ناتوانی خواهش ارباب ذوق را بکار بستم و تا آنجا که حال و مناسبات مزاجی باری میکرد در متن کتاب تجدید نظر بعمل آورده در اصلاح اشتباهات و غلطهای چاپی آن کوشیدم و ضمناً مطالبی نیز بدان افزودم و امیدمیرود که با یکصد قطعه عکس نفیس مربوط به متن بروی تجدید چاپ شود.

اخیراً آقای دکتر عنایت سردیر محترم مجله ارزنده « ایران آباد » از من خواستند که درباره ابنیه دوران فاجار به اطلاعات خود را بنویسم. چون از طرفی کسالت مزاج و ضعف چشم مانع از آنست که مقاله ای جداگانه بپردازم و از طرفی دیگر دلم گواهی نمیدهد که منظور ایشان را بر نیآورم اینست که قسمتی از مندرجات کتاب « یادداشتها » را که مربوط به ابنیه از میان رفته عصر فاجار به است و در متن آن تجدید نظر بعمل آمده با مطیب خاطر در اختیار مجله شریفه « ایران آباد » میگذارم.

دوست علی معیر الممالک



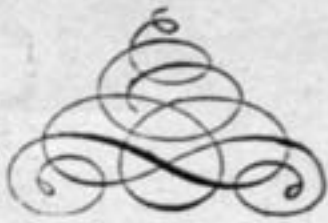
آقای معیر الممالک در اطاق کار خود

۱- نارنجستان بزرگ

دیوانخانه راکاخ گلستان می نامیدند و بر استی اسمی پامسا بود. از اندرون شاهی دو درب دیوانخانه باز میشد که یکی جنب اطاقهای مادر بزرگم تاج الدوله نخستین زن عقدی ناصرالدین شاه و دیگری کنار عمارت موزه واقع بود. دالان اطاقهای تاج الدوله دری بنارنجستان بزرگ داشت که چون از آن پابدرون مینهادند رایحه ای جانفز ایشام میرسید و پرده ای از افسانه های هزار و یک شب برابر دیدگان جلوه گرمیشد. بنای نارنجستان شرقی و غربی بود و هفتاد ذرع طول و ده ذرع عرض و هشت ذرع ارتفاع داشت. طاق بنا از کمانهای چوبی ترتیب داده شده بود و در زمستان روی آن را با پرده می پوشانند. چهل درخت از نارنج و برتقال و نارنگی و لیمو و توسرخ و دارابی و پتایی و غیره در آن نشاند و نیک عمل آورده بودند. درختها در طرفین نهری عریض از کاشی لعابی آبی که در هر دو ذرع فاصله فواره ای کوچک در آن قرار داشت درون باغچه های گرد کاشته شده بود و از پنج تا هفت ذرع ارتفاع داشتند.

بود تالار بر لبان رانارنجستان مربوط میساخت. حوض بلورینی که ملکه انگلستان و یکتوریا برای ناصرالدین شاه هدیه فرستاده بود باندک فاصله ای رودر روی پله های مزبور قرار داشت و پیوسته لبریز از آب صافی بود.

وسط نارنجستان نیز حوض گرد بزرگی بود که از فواره سنگی آن آب بسیار میجوشید و ماهی های قرمز و سیاه در آن شناور بودند. نارنجستان رو بجنوب ارسیمهای بزرگ با آئینه های یکپارچه داشت که بفضای گلستان نگاه میکرد و از سمت اندرون دارای دیواری بر عرض باطاقها های وسیع بود. درندگان میدشده بدست شاه را که بطرزهای خوش طبعی نما آماده شده بود در مطاقها قرار داده بودند. چلچراغها و فانوسهای گرانبها و دیوار کوبهای گوناگون در طول نارنجستان از سقف آویخته و بدیوارها کوبیده شده بود. از انتهای ضلع مزبور دری بزرگ و مثبت کاری بدیوانخانه باز میشد.



حاج میرزا حسین خان سپهسالار



دوستعلی خان نظام الدوله معیر الممالک

نارنجستان دیگری با ابعاد کوچکتر از بلور در وسط باغ خود بنا می کرد که ازاره ها و کفش از سنگ مرمر پوشیده شده بود. هفده درخت بر تقال و نارنگی و لیموی شیرین از نقاط مختلف ایران آورده و در آن آن کاشته بودند.

۲ - خلوت کریم خانی

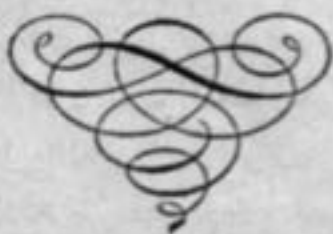
عمارت کوچکی از بناهای کریم خان زند در قسمت غربی گلستان در زاویه ای متصل بدیوار موزه واقع بود. بنای مزبور حوضخانه زیبایی داشت که از سطح حیاط یک ذرع و نیم بلندتر بود و تمام آب قنات شاه از میان حوض آن جوشیده در پاشویه و نهرهای اطرافش میریخت. آن کنجی بود آرام و شاعرانه و تا من بیاد دارم کسی در آنجا مسکن نداشت.

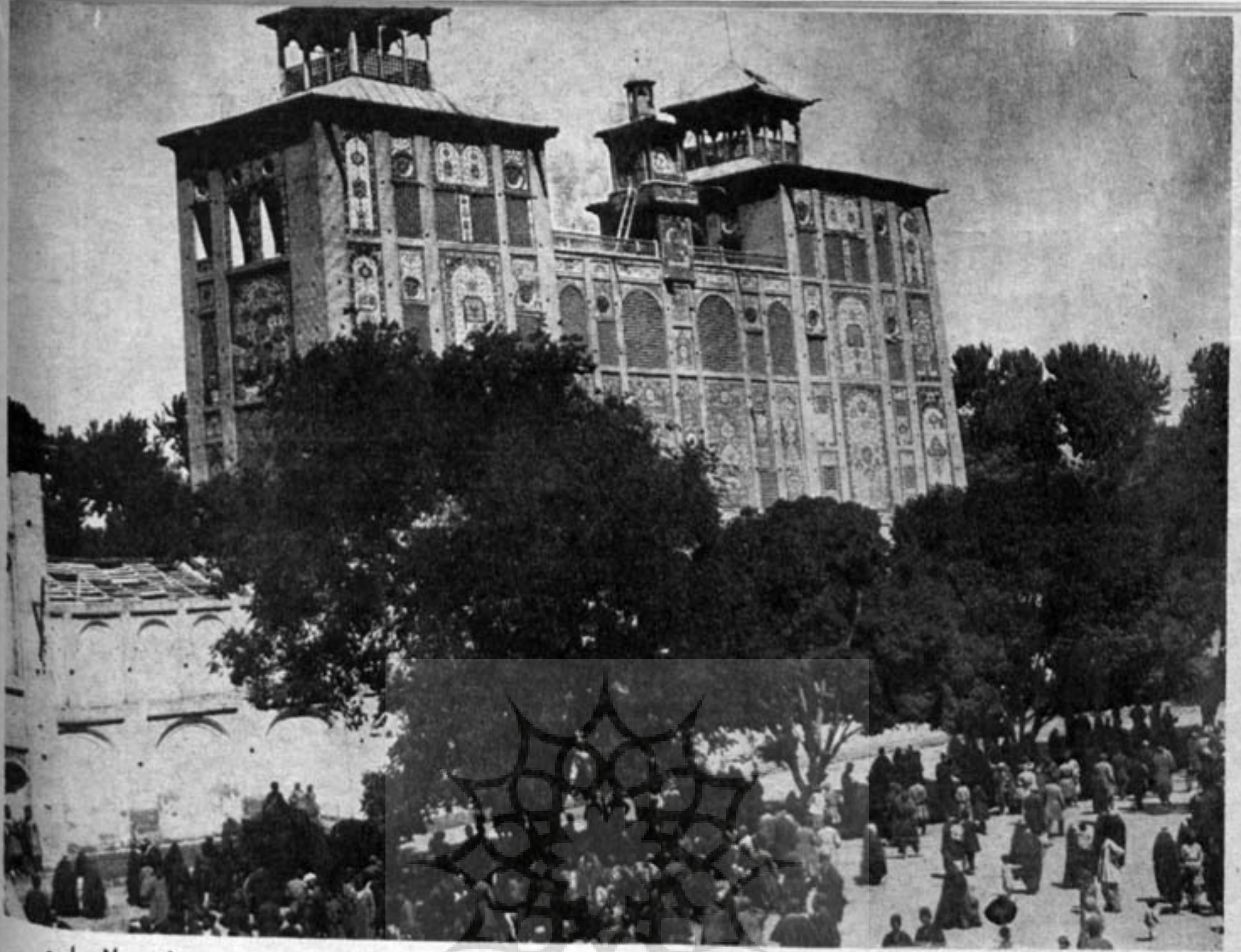
۳ - عمارت ۳ آری

این عمارت در انصرالدین شاه در سالهای آخر سلطنت بنا نهاد. بنای مزبور در باغ اراک سمت غربی حیاط زرگرخانه واقع بود و یکصد ذرع طول و دوازده ذرع عرض داشت. برده های نقاشی قدیم و جدید از کارهای نقاشان ایرانی و فرنگی را که در انبارهای دولتی در شرف پوسیدن بود پس از تعمیر و قاب کردن زیب دیوارهایش ساخته بودند. بیست و پنج چلچراغ دارای گل و برگ و خوشه میوه از بلور الوان از سقف آن آویخته شده بود. شبگاه چلچراغها در حال فروزش شکوه و جلوه ای خاص بنالارمی بخشید.

۴ - قصر ایض

هر چند این بنا هنوز برپاست ولی چون سبب ایجاد آن بر همه





شمس العماره

معیر الممالک بی درنگ دست بکار زده بی ریزی شمس العماره و تکیه دولت را توسط معماران زبردست زمان آغاز کرد. حاج میرزا حسین خان شیخسالار که با معیر الممالک نرد مخالفت میباخت نهائی چند تن را گماشت تا صورت مخارج بناهای مزبور را دقیقاً تهیه کنند و در آخر کار آنرا برای مقابله با سیاهه تقدیمی معیر بدست شاه داده و ازین راه ضربتی کاری بکار رقیب برد.

بنای شمس العماره پس از دو سال بیابان رسید و مخارج آن از هر جهت با اتاناه و فرش و غیره به چهل هزار تومان بالغ گردید. روزی را جشن گرفتند و شاه رسماً بعمارت مزبور آمد.

حاج میرزا حسین خان نیز حضور یافته و برای مشاهده نتیجه نقش خویش در کناری ایستاده بود.

شعرا با مدیحه های آبدار مقدم خسروانه و میمنت بنای تازه را تهنیت گفتند و شاه پس از بازدید قسمتهای مختلف بنا و تحسین بسیار روبه معیر الممالک کرده گفت: «براستی بنائی عالی و مجلل استولی باید برای دولت گران تمام شده باشد» معیر عرض کرد: «شاید برای چاکر گران تمام شده باشد زیرا بنا و هر چه در آن هست تقدیم خاکبای همایونی است و اینک طومار مخارج از نظر مبارک میگذرد» آنگاه گامی فراتر نهاده طومار را بدست شاه داد، سلطان از مشاهده این حال تغییر قیافه داد و بی اختیار نگاهی تیز و خشنماک به حاج میرزا حسین خان افکند که از نظر حضار پوشیده نماند و مفسد سرش مندی بگریز انداخت یک نسخه از طومار مزبور نزد اقم این سطور موجود است: (دوباله این سلسله مقالات رادر شماره آینده بخوانید)

معلوم نیست در اینجا از آن یاد میشود: سلطان عبدالحمید یکدست کامل اتاناه اطلاق و چند پارچه قالی گران بها بافت ترکیه برای ناصرالدین شاه هدیه فرستاد. چند پرده نقاشی بزرگ با قابهای مجلل نیز سلاطین و ملکه های اروپا از شبیه خود که بقلم زبردست ترین نقاشان زمان نقش شده بود بشاه یاد گارداده بودند. چون کاخها همه بزینتهای گوناگون آراسته و معلی شایسته برای نقایس مزبور نبود لذا شاه قصر ایضاً بنا نهاد و ابعاد تالار آنرا برابر با ابعاد بزرگترین قالی اهدائی سلطان عثمانی گرفت. چون بنا بیابان رسید فرش رادر تالار گسترده و با آن اتاناه گران بها زینتش کردند. پرده های نقاشی را با پرده دیگری شبیه ناپلئون اول که خود برای فتح ملی شاه فرستاده بود بدیوارها آویختند و بدین گونه تالاری باشکوه درخور پذیرائی شاهان بوجود آمد.

روزی حضور داشتم که شاه خود رفته نقایسی چند از خزانه برای تکمیل آرایش تالار ایضاً انتخاب کرد. اشیاء عبارت بود از قابی زرین با ابعاد نیم ذرع که صور پادشاهان هندوستان منقوش با مینا درون آن بود و نیز چند گلدان بزرگ از چینی «شور» و «باویر».

۵ - شمس العماره

چون این بنا نیز با اندک تغییراتی بریاست تنها بشرح سبب ساختمان آن اکتفا میورزد:

روزی ناصرالدین شاه دوستعلی خان نظام الدوله معیر الممالک را گفت کاخی بلند میخواهم که از بالای آن دورنمای شهر و مناظر اطراف نمایان باشد و نظر بتنگی فضای تکیه حاج میرزا آقاسی تکیه و سیم دیگری نیز لازم است ساخته شود.